

ایران

صاحب امتیاز:

فره‌گزاری جمهوری اسلامی

آذان ظهر ۱۲/۱۷ | آذان مغرب ۱۸/۱۶ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | آذان صبح فردا ۵/۱۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۵

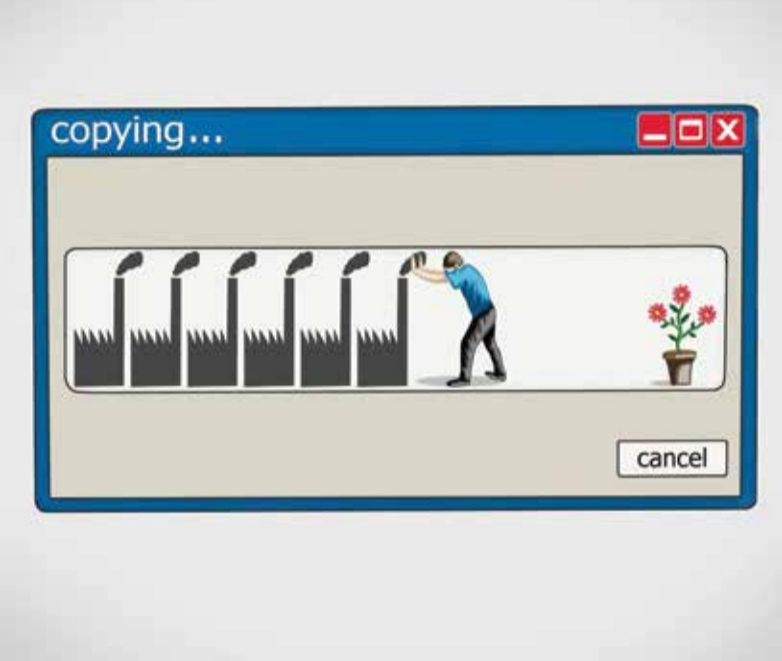
امام علی (ع):

خداوند سبحان محمد پیامبر خود را فرستاد تا وعده خویش را به انجام رساند و سلسله نبوتش را کامل کند.



نگاره

نیما شاه‌میری



فضای مجازی به فرصتی برای معرفی آثار تازه هنرمندان و توصیه به تماشای آنان تبدیل شده است. اهالی فرهنگ و هنر روز گذشته در این فضا آثار دوستان و همکارانشان را به مخاطبان معرفی کردند.

چهره‌ها

گلاره عباسی خبر چاپ دوم کتاب «قبل از مردن چشم‌هات رو ببند» را استوری کرده است. پیمان تیمورتاش کارگردان فیلم «مفت‌آباد» نویسنده این کتاب است.
فیلمی که به نوعی از همین رمان برآمده است. «قبل از مردن چشم‌هات رو ببند» که توسط انتشارات چشمه منتشر شده قسه جوانی زخم خورده و شخصیت‌هایی فرعی است که هر کدام در مواجهه با خشونتی که در محله به آن دچارند واکنش نشان می‌دهند.

کاظم دانشی که امسال با فیلم «علفزار» حضوری درخشان در جشنواره فیلم فجر داشت، نمایش «حوالی هفت و هفت دقیقه پاییز» را معرفی کرده است. این نمایش به نویسندگی و کارگردانی علی اصغری از ۱۴ اسفندماه در دو سانس و ۱۸ تا ۲۰۳۰ در عمارت سیمرخ روی صحنه می‌رود. کامیاب دیریاز، نسیم ادبی، حسین پورکرمیی و مرجان مؤمنی بازیگران این نمایش هستند.

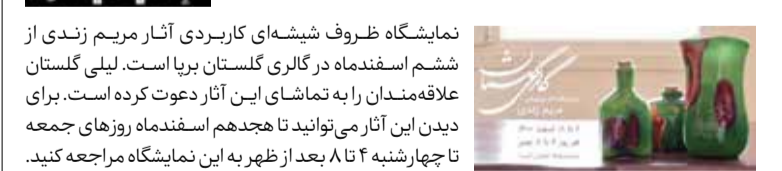
کیهان کلهر سالروز تولد بهمن رجبی نوازنده صاحب سبک و مدرس تنبک را تبریک گفته و نوشته: «زادروز هنرمند و آموزگار شریف «استاد بهمن رجبی» بر فرهنگ دوستان، خاصه علاقه‌مندان ساز تنبک و مکتب این معلم گرفتار در به فرخی و فرخندگی و سہاس برای عمری تدریس و تلاش بی‌چشمداشت و ادعای

سعید روستایی ویدیویی از حضورش در چهل و هفتمین مراسم سزار را منتشر کرده است. این فیلمساز با «متری شیش و نیم» در شاخه بهترین فیلم خارجی اسکار سینمای فرانسه کاندیدا شده بود. برگزیدگان این دوره از جوایز سزار ۶ اسفندماه معرفی شدند و در نهایت فیلم «پدر» موفق به کسب جایزه بهترین فیلم خارجی شد.

مجید اسطیری داستان نویس ایرانی همزمان با سالروز شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع) خواندن کتاب «جشن همگانی» مجید قیصری را توصیه کرده است. او نوشته: «شما را دعوت می‌کنم به خواندن یکی از بهترین داستان‌هایی که درباره آن حضرت نوشته شده است. داستان بر اساس یکی از روایات ذکر شده در کتاب منتهی الآمال درباره زندگی امام کاظم (ع) است و البته فرم داستان چنان جذاب و بورخسی است که برای هر مخاطب جدی ادبیات داستانی بسیار لذتیخش خواهد بود. داستان «موسای دیگر» اولین داستان از مجموعه «جشن همگانی» نوشته نویسنده خود هم روزگام ما مجید قیصری است.»

دیگه چه خبر

مسعود شامی و میلاد خرم که بیش از یک دهه است در حوزه‌هایی نظیر کارگردانی، بازیگری، نویسندگی و تولید فعالیت می‌کنند در تازه‌ترین فعالیت مشترکشان نمایش «ترقب» را روی صحنه برده‌اند. نمایش «ترقب» از پنجم تا بیست و پنجم اسفند ساعت ۱۹:۳۰ در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود و مهناز میرزایی، سایه کبیری و ماندبه جلالی در آن بازی می‌کنند. این خبر را مسعود سلامی در صفحه اینستاگرامش به اشتراک گذاشته است.



سریال ۲۵۰ قسمتی «برف بی صدا می‌بارد» که از آن به‌عنوان طولانی‌ترین سریال تلویزیونی یاد می‌شود، هر شب ساعت ۲۰:۴۵ تا شبکه سه سیما روی آنتن می‌رود. شایسته ایرانی با انتشار تصویری از حضورش در این سریال خبر داده است. این سریال به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی در سه فصل و در دهه‌های ۶۰- ۷۰- و ۹۰ روایت می‌شود. در فصل اول این سریال به کارگردانی پوریا آذربایجانی، فرهاد آبیض، آتیلا پسیانی، ثریا قاسمی، الیکا عبدالرزاقی، پوریا پورسرخ، ماندبه طهماسبی، پاشا رستمی، پوریا شکیبایی، پانته آسپروس، مریم شیرازی، مینا وحید، فریبا متخصص، امید روحانی و... بازی کرده‌اند.

تازه‌های نشر

رمان «بی‌پایان» نوشته بلیقسس سلیمانی از سوی انتشارات چشمه روانه بازار کتاب شد. در صفحه اینستاگرام این انتشارات درباره این کتاب آمده است: «بلیقسس سلیمانی در این رمان مانند بسیاری از آثار قبلی‌اش روح تاریخ را احضار می‌کند. این بار در روایتش درونمانده‌ای پلیسی و معمایی نیز وجود دارد که داستان را سرشار از هیجان می‌کند. سلیمانی در «بی‌پایان» شخصیت زن خود را در موقعیتی مرموز و انباشته از خشم، کدورت و افسانه هول قرار می‌دهد که می‌خواهد او را زنده به گور کند.»

بچه‌ها در خلال کارهای سینمایی و تلویزیونی روش زندگی را یاد می‌گیرند

شبنم فلی‌خانی، همیشه خاطرات کودکی خود را مرور می‌کنم و به یاد می‌آورم سریال‌هایی که زمان کودکی‌ام از تلویزیون پخش می‌شد، مقدر برلیم جذاب بود. مثلاً می‌توانم از محله برویبا نام بیآورم و بازیگران آن روزها خاطرات بچگی ما را ساختند. من هم به‌عنوان یک بازیگر فکر می‌کنم، بخشی از تعهد و وظیفه‌ام در قبال جامعه‌ام همین است که برای نسل بعدی خاطرات خوب بسازم. چه بهتر که آدم به‌عنوان یک بازیگر، موقعیتی برایش پیش بیاید که بتواند در کار کودک، بازی کند و این کار کودک بتواند خاطره خوبی برای نسل بعدی‌مان بسازد. کارهای کودک هستند که بچه‌ها را برای یک زندگی آماده می‌کنند. این آثار تلویزیونی و سینمایی آینده بچه‌ها را می‌سازند. آنها با این کارها یاد می‌گیرند که چگونه زندگی و تلاش کنند، تصمیم بگیرند و خطر نکنند. آن قدر که کار بزرگسال زحمت و هزینه دارد همان مقدار هم باید برای کار کودکان وقت و انرژی گذاشته شود تا نسل آینده برای یک زندگی بسیار خوب و جهانی روشن مهیا شود.

بخشی از گفته‌های این بازیگر سینما و تلویزیون در ایران



بعثت زمینه ساز تحول درونی افراد

جوامع انسانی بویژه جامعه بدوی اعراب شبه جزیره، قبل از بعثت با بعد از آن و تغییرات شگرفی که در میان آنان به‌وجود آمد، می‌توان از این تحول به‌عنوان یک معجزه بزرگ یاد کرد و بعد از قرآن کریم آن را مهم‌ترین و پردامنه‌ترین معجزه رسول گرامی اسلام(ص) دانست؛ موضوعی که حضرت محمد(ص) خود نیز بدان اشاره می‌کند. آن هنگامی که چهل نفر از یهود نزد آن حضرت آمدند و با ایشان پیرامون رسالت و نبوت او به مناظره با پیامبر پرداختند. رسول اکرم(ص) به‌عنوان یکی از نشانه‌های مأموریت الهی خویش به این موضوع اشاره کرده و می‌فرماید: «خداوند متعال به من امتیازاتی داده که به سایر پیامبران عطا نکرده است. نوح در میان قوم خود به پا خاست و ایشان را نهند سال دعوت به رسالت خویش کرد. اما جز گروه اندکی به ایشان ایمان نیاوردند، حال آنکه در دوران کوتاه عمر من گروه زیادی دعوتم را پذیرفتند و از من پیروی کردند.به قدری که در دوران طولانی عمر نوح به او نگرویدند.»(بحارالانوار، ج۱۶/ ۳۲۰)

این موضوع نشان از ظرفیت‌های شریعت خاتم داشته و معرف اساس دعوت رسول گرامی اسلام(ص) که قادر بر دگرگونی خصلت‌های درونی انسان است. این دعوت بر ایمان به خداوند یکتا و عقیده به روز رستاخیز و تلاش برای راهیابی به مراحل رشد معنوی و کمال انسانی در طول حیات دنیایی استوار است. از این روی می‌توان بعثت پیامبر اسلام(ص) را زمینه‌ساز تحول درونی افراد به شمار آورد. تحولی که از مردمی خشن و نادان که دختران خود را تنها به جرم دخترزاده شدن زنده به گور می‌کردند، مردمانی داری عواطفی زنده و قوی با روحیه الفت و دوستی با یکدیگر ساخت. تا آنجا که در شرایط سخت، دیگری را برخود ترجیح داده و آماده ایثار و از خودگذشگی بودند. اینگونه بود که مردمی خودخواه، برتری طلب، پیروتمایلات و خواسته‌های بدون حد و مرز خود که چنان افسارگسیخته رفتار می‌کردند که هیچ قانون و انضباط اجتماعی نزد آنان ارزش و اعتبار نداشت و هرج و مرج همه جا حکمفرما بوده و منطق زور امنیت را از جامعه سلب کرده بود، با معجزه بعثت و ایمان و تقوای الهی در خلوت و جلوت وادار به تبعیت از صلاحدیدهای عقل، انصاف و وجدان شده و تن به نظم و انتظام در شکل قانون و مقررات اجتماعی دادند.

سزمین اوزان در موسیقی ایران

به یاد امیر بیداریان ۱۳۷۴- ۱۳۱۱

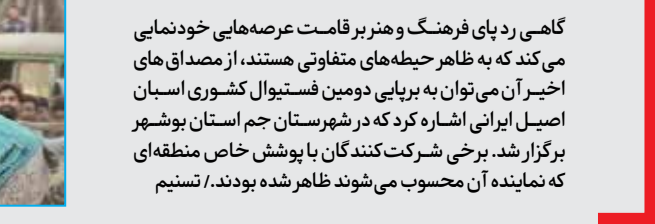
برای آنهایی که امیر بیداریان را از نزدیک دیده‌اند هنرمندی فراموش ناشدنی است. امید می‌رود برای تاریخ موسیقی هم فراموش ناشدنی بماند. هر چند طینت دلنشین ضربه‌ها بر تنبک او درحافظه موسیقی ایران با آلبوم‌های «ریم به زبان نوت» و «گنجینه وزن‌ها» به همراه ۲جلد کتاب آموزشی جوادانه خواهد ماند.

امیر بیداریان در سال‌های پیش از انقلاب، هنرمندی پرآوازه و نام آشنا بود. بخشی از فضای صوتی فیلم‌های ایرانی با صدای تنبک او معنای حقیقی خود را پیدا کرد؛ ریز بازارچه، حسن کچل، سعد و سعید و بسیاری دیگر... همچنین بسیاری از برنامه‌های رادیویی و ضبط‌های خصوصی همراه با تکنوازان و خوانندگان بزرگ آن دوران در رادیو و تلویزیون ملی. در آن زمان تمبک هنوز در مقام

حقیقی و موقعیت درست خود بود و به ورطه بی‌حاصل آکروبات بازی، ریتم محوری انتزاعی؛ اصرار بی‌جا برای تکنوازی و توهم ملودی‌سازی نیفتاده بود و تمبک‌نوازان نسل بعد از استاد حسین تهرانی؛ رشد کرده بر پایه آموزش‌های کلاسیک مکتب او؛ خرده‌انکارات و شیرینی‌های مخصوص خود را در نواختن تمبک به ارمغان آورده بودند. امیر بیداریان نیز از آن گروه و آن نسل بود، در کنار شغل رسمی‌اش که همانا افسر نیروی هوایی بود. عرصه‌های متنوعی را هم تجربه کرد؛ شیوه روزنامه‌ای؛ مکتب استاد تهرانی؛ کار در رادیو و تلویزیون و سینما؛ کار روی صحنه با خوانندگان مشهور روز؛ آموزش خصوصی و تدریس هنرستانی؛ که این آخرین به برکت زفاقت و همیاری‌اش با رضا مهدوی جوان سننورنوازی در هنرستان موسیقی است. روزی وابسته به حوزه هنری به همت او در ابتدای دهه ۷۰ فراهم شد. در حقیقت وی تجدید حیات هنری و اجتماعی خود در ۱۵سال آخرعمر را یکسره مدین رفاقت رضا مهدوی بود و یگانه آلبوم منتشر شده‌اش را هم با یکدیگر ساختند: آذر کیمیا. ۲مجموعه شنیداری «ریم به زبان نت» و «گنجینه وزن‌ها» نیز از یادگارهای بیداریان است که در حال حاضر نایابند. این آلبوم‌ها برگرفته از ریتم‌های ساده با دست راست و چپ سیستم سه سطحی به سبک و سیاق زنده‌یاد استاد حسین تهرانی است. ریتم‌های ساده، ترکیبی و لنگ (۱۲قطعه در نوار ریتم به زبان نوت) و (۷۸قطعه در نوار گنجینه وزن‌ها) برگرفته از ریتم‌های ضربی سنتی و قطعات محلی ایرانی به همراه توضیحات کافی، روایتگر پیشینه درست از آغاز آموزش و فرهنگ شنیداری ساز تمبک در موسیقی ایرانی است که لاجرم تمام تنبک‌نوازان نسل نهم از آن آشنایی داشته باشند. زنده‌یاد امیر بیداریان زود از این زندگی رفت و ۱۲ اسفند ۱۳۷۴ درگذشت. هنوز رهاوردهای خوب و ناگفته‌ای داشت برای هنرجویان مشتاقش. در آموزش ریتم به کودکان مبتلا به سندروم ااون به نکات سازنده‌ای رسیده بود و تازه داشت جایگاه مطلوبش را در همگانی کردن این ساز مهم در موسیقی ایرانی فراهم می‌کرد. وجودش مثالی زنده بود از یک تهرانی قدیمی و بامعرفت و محبت و سخاوت و سادگی و معلمی کاردان. سازش هم حالی داشت و همیشه به دل می‌نشست چه در محافل خصوصی چه در روی صحنه‌ها و استودیوها. نمادی بود از زندگی شاد و بی‌دغدغه‌ای که دیر به‌دست آمد و زود برفت. برای ما و دوستدارانش و شاگردانی که راه او را همچنان ادامه می‌دهند؛ ویشتاسب خسروی تهرانی، خشایار پاریا، کیانوش ارنگان، سیاوش صفری و پیمان قدیری فراموش ناشدنی است. یادش گرامی!



■ **ریم به زبان نوت و گنجینه وزن‌ها**
■ **تنبک؛ امیر بیداریان**
■ **ناشران: حوزه هنری و ایران صدا**



گاهی رد پای فرهنگ و هنر بر قامت عرصه‌های خودنمایی می‌کند که به ظاهر حیطه‌های متفاوتی هستند، از مصداق‌های اخیر آن می‌توان به برپایی دومین فستیوال کشوری اسپان اصیل ایرانی اشاره کرد که در شهرستان جم استان بوشهر برگزار شد. برخی شرکت‌کنندگان با پوشش خاص منطقه‌ای که نماینده آن محسوب می‌شوند ظاهر شده بودند. تسنیم



گرچه روی شیروانی داغ

تنسی ویلیام

پرویز ارشد

نشر نیلوفر

خروج از کلیشه‌های زندگی / ۳

باور کنیم کلیشه‌ها محدودکننده‌ هستند!

زمانی یک کارگردان روسی یک آزمایشی انجام داد تا نشان دهد چگونه می‌شود با تغییر فرض‌ها، استنباط آدم‌ها را تغییر داد. این آزمایش «اثر کولچوف» نام گرفت. خیلی ساده یک بازیگر که می‌توانست چهره‌ای بدون حالت هیجانی خاصی (خثی) را نشان بدهد در سه فیلم کوتاه حضور یكسانی داشت اما در فیلم اول

پیش از نمایش این بازیگر، تصاویری از زنی مرده، در فیلم دوم یک بشقاب سوپ و در فیلم سوم یک دختر در حال بازی را نمایش داد و تفسیر تماشاگران در حالت چهره بازیگر را خواستند که گروه اول بازیگر را غمگین، گروه دوم متفکر و گروه سوم او را خوشحال می‌دیدند.

اگر آن تصاویر اولیه را کلیشه‌های ذهنی بدانیم، آن وقت بیشتر برلمان ملموس است که ما چگونه تحت تأثیر این کلیشه‌های ذهنی دست به تفسیر می‌زنیم. گاهی این کلیشه‌ها اجتماعی و گاه فردی و اسنادهای درونی ماست که شاید گمراه کننده‌ترین این اسنادهای درونی را بتوان «اسناد خدمت به خود» نامید.

بیاپید این فرض را در نظر بگیرید زن و شوهری بدون آنکه نوبت‌بندی کرده باشند، امورات زندگی مثل رسیدگی به تکالیف فرزندان یا حتی آشپزی و یا هزینه‌های زندگی را می‌پردازند. آنها به صورت روتین این کار را می‌کنند و مشکلی هم ندارند. اما شاید اگر یک‌بار قرار باشد، یکی از طرفین گلایه کند، که طرف مقابل فلان مسئولیت را بیشتر به‌عهده بگیرد، آن فرد با خود بگوید من که ۷۰ درصد مواقع دارم این کار را می‌کنم، مثلاً ۶۰ درصد مواقع نوشتن تکالیف فرزندم با من است یا... حال اگر از طرف مقابل بی‌رسیدگی بود فکر می‌کنی چقدر از این کار را تو انجام می‌دهی، او هم اصلاً عددی نزدیک به آن ۷۰ درصد را بگوید. شاید بسیاری از چالش‌ها نیز از همین‌جا آغاز می‌شود که عموماً ما این کلیشه ذهنی ما را داریم که برآورد اشتباهی از رفتارهای خود داریم. «اسناد خدمت به خود» هم داریم یعنی میل به اینکه نتیجه مثبت یک کار را به خودمان و نتیجه منفی را به دیگری نسبت می‌دهیم. دیده‌اید اگر بچه‌ها باهوش باشد پدر و مادر اصرار دارند او را شبیه خودشان معرفی کنند و اگر مثلاً بچه پرخاشاگری باشد، مسئولیت آن را به عهده نمی‌گیرند؟

در حوزه اجتماعی هم این کلیشه‌ای را که بسیار روی تفسیر ما از واقعیت اثر می‌گذارد، شاید به قول دیوید مایرز، روان شناس اجتماعی بتوان در موضوع «دیده هم رأی کلاب» شناسایی کرد. انگار ما یک اجبار درونی داریم که باعث می‌شود فهم ما از جهان شبیه فهم جمعی ما در بیاپید. اگر همه در فضای مجازی با دیدن یک عکس یا یک تکه گفته یا نوشته شروع به نشان دادن یک واکنش می‌کنند، ما نیز فهمان همان می‌شود که آنها می‌گویند. برای همین شاید اولین واکنش‌ها تأثیرگذارترین‌ها باشند و بحث هدایت افکار عمومی هم از همین‌جا شروع شود. حتی شاید فرصت تکنیم از خودمان بپرسیم داستان آن عکس، قبل و بعدش چه بوده؛ ما یک تصویر داریم بدون کمترین داده‌ای – بازیگر خثی- اما کلیشه‌های ذهنی که شامل باورهای پیشین، هم رأیی یا نظر جمعی و... ما را به واکنشی او می‌دارد که شاید نسبتی با پیام آن عکس یا پیام آن تکه سخن ... نداشته باشد.

موضوع این است که کلیشه‌های ذهنی در همه لحظه‌های زندگی ما می‌تواند جاری باشد و گاه به شکل وسیع‌تری به یک کلیشه اجتماعی یا فرهنگی تبدیل شود و حتی پشت آن استدلال‌هایی بیاید که آن را قوی‌تر کند اما موضوع این است کلیشه‌ها دید ما را نسبت به تحقیق و تفسیر آزادانه و عاقلانه محدود می‌کند. موضوع کلیشه‌ها را نباید با باورها اشتباه گرفت. کلیشه‌ها عمدتاً در حوزه‌هایی جای می‌گیرد که منجر به قضاوت ما درباره خودمان و دیگری می‌شود که اگر آن کلیشه را کنار بگذاریم دید آن تفسیر از اعتبار خارج می‌شود. اما باور چیزی است که ما را معرفی می‌کند و ارزش‌های زندگی ما را می‌سازد و این باور بروید که طردفار کلیشه‌های زندگی شوید یا خارج از کلیشه‌ها به دنیای بیرومتان نگاه کنید!



عکس نوشت

